

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۳۰ می ۲۰۲۱

جنگ قدرت میان "جواسیس تکنوکرات" و "جنگسالاران اسلام سیاسی"

شنبه - ۰۸ جوزای ۱۴۰۰ - کابل: از چندی بدین سو دولت دست نشاندۀ جهت فریب مردم از درک وضعیت واقعی اوضاع افغانستان و این که حاکمیت را درکل، خطر نابودی تهدید می نماید و تمام طیف های حاکمیت جهت بقای شان به مثابۀ آخرین چانس قبل از فرار از افغانستان و سپردن زمام امور به طالب، تلاش می ورزند تا با تقسیم جدید قدرت و منابع، بخت شان را بیازمایند، مسأله تشکیل نهادی را به نام "شورای عالی دولت" به خورد رسانه ها داده، آنها هم بدون آن که بحث را از همان جایی که می بایست شروع می کردند، همه روزه یک و یا چند تن از جنایتکاران و جواسیس را خواسته تلاش می ورزند تا به جای ارائه معلومات، با پخش لاطائلات و خزعبلات خاص خودشان مصروف دارند. در یادداشت امروز جهت آن که جلو کلاه بازی ها و فریبکاری های هر دو طرف بحث یعنی هم طیف ارگ و هم طیف مخالفانش را گرفته باشیم، اندکی در مسأله نظر می اندازیم:

نخستین مسأله ای که می باید حین برخورد به ترکیب جمعی زیر عنوان "شورای عالی دولت" بدان توجه نمود، می باید درک این دو نکته باشد: از طرف چه کس و یا جمعی این نهاد ساخته می شود و هدف از ایجاد آن چیست؟ در یادداشت امروز خواهم کوشید تا از همین منظر در مورد روشنی بیندازم:

۱ - این که ایجاد "شورا" خواست و پیشنهاد ارگ و شخص "غنی احمدزی" باشد. در این صورت مسلم است که هدف از ایجاد آن مشوره دهی و کمک به شخص رئیس جمهور، مطابق به مواد ۶۴ و ۶۵ قانون اساسی دست ساخت استعمار بوده، هیچ گونه صلاحیتی در اتخاذ تصمیم و اداره امور ندارد.

۲ - این که "شورا" بر مبنای توافقی که بین تیم های "ثبات و همگرایی" و "دولت ساز" جهت ختم لشکر کشی بین "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" صورت گرفت، به وجود آمده باشد. در این صورت مسلم است که طرح ایجاد چنین جمعی هم در همان زمان و هم اینک به منظور تحدید صلاحیت های بی حد و حصریست که قانون اساسی ساخت استعمار به به شخص رئیس جمهور داده است.

مسلم است که در چنین صورتی، "شورا" نه تنها قابلیت محدود ساختن صلاحیت های "رئیس جمهور" را دارد بلکه صلاحیت تصمیم گیری در امور را نیز داشته، شخص رئیس جمهور در چنین شورائی به مثابۀ یک عضو- رئیس آن- مکلف است فیصله های شورا را عملی نماید.

هموطنان گرامی!

تجاریبی که از حاکمیت هفت ساله "غنی احمدزی" وجود دارد، روند حرکت قضایا در تمام این هفت سال بارها به اثبات رسانیده که "غنی احمدزی" حین امضای یک توافقنامه با هر جناحی که بوده، خیلی سخاوتمندانه و بدون اگر و مگر برخورد نموده است. چون از همان آغاز تصمیم داشته که عجلتاً غایله را ختم کند نه این که به موافقتنامه عمل نماید.

از جمله وقتی به دوران حکومت "وحدت ملی" مراجعه می نمائیم و یا حکومت شراکتی کنونی، دیده می شود که "غنی احمدزی" حین امضای موافقتنامه بسیار صریح و سهل گویا به نفع طرف مقابل سخاوت نشان داده است. اما از فردای امضای موافقتنامه با سنگر گرفتن در عقب قانون اساسی و صلاحیت های رئیس جمهور در آن، موافقتنامه را زیر پای کرده است.

در حالی که قضیه در واقعیت چنان بوده است که نفس نگاشتن و تأیید موافقتنامه به معنای، دور زدن و عبور و معلق قرار دادن "قانون اساسی" با تمام کم و کیف آن می باشد. یعنی رئیس جمهوری زمانی حق دارد که از اختیاراتش بر مبنای قانون اساسی استفاده نماید که بر مبنای قانون اساسی انتخاب شده باشد، در حالی که در مورد "غنی احمدزی" در هر دو دوره این پیش شرط وجود ندارد و وی بر مبنای توافق رئیس جمهور شناخته شده، بناءً طرف مقابلش دارای عین حق و صلاحیت می باشد.

هموطنان گرامی!

جدالی که فعلاً بین "غنی احمدزی" به نمایندگی از جواسیس و جنگسالاران داعیان اسلام سیاسی از "گلبدین و ربانی" گرفته تا بقیه جنایتکاران جریان دارد، در واقع تثبیت یک نکته است: آیا بعد از تشکیل "شورای عالی دولت"، رئیس جمهور برخوردار از صلاحیت های مصرحه در قانون اساسی ساخت استعمار خواهد ماند و یا به اساس اساسنامه و برنامه کاری "شورای" فرضی، قدرت و صلاحیتش به شورا انتقال خواهد یافت. این همان چیز است که طرفین دعوا از مردم پنهان می دارند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!